پیشخوان

مروری بر روایت «هامیلتون جوردن» از چالش‌های ایران و امریکا

درباره «بحران»

■ شاهد توحیدی

«بحران» یکی از شاخص‌ترین آثار مستند درباره وقایع ایران در سال‌های پس از انقلاب و ماجراهای پشت پرده گروگانگیری، تحریکات و توطئه‌های شیطان بزرگ علیه انقلاب اسلامی ایران است که در اواخر سال ۱۹۸۲ در امریکا چاپ شد و از پرفروش‌ترین کتاب‌های سال گذشته در امریکا به شمار می‌آید. «هامیلتون جوردن» نویسنده این کتاب که در سمت ریاست ستاد کاخ سفید نزدیک‌ترین مشاور و محرم اسرار کارتر بود و از تمامی ماجراهای پشت پرده کاخ سفید اطلاع داشت، در مسائل مربوط به ایران مأموریت‌های محرمانه متعددی از طرف کارتر انجام داد که تمامی آنها را ضمن یادداشت‌های روزانه‌اش در این کتاب منعکس کرده و بسیاری از مطالب کتاب روایات دست اولی است که فقط شخص نویسنده از آن اطلاع داشته است. نویسنده چون از محارم کارتر بود و در کلیه تصمیمات سطح بالای کاخ سفید مشارکت داشت ضمن این یادداشت‌ها مطالبی را فاش می‌کند که معمولاً از اسرار دولتی به شمار می‌آید و ارزش و اهمیت کتاب و جنجالی که پس از انتشار آن در امریکا برپا شد بیشتر به این دلیل بوده است. اهمیت این کتاب از نظر ما افشای بسیاری از جریانات پشت پرده و ارتباطات عناصر مرموزی چون قطب‌زاده با امریکایی‌هاست که در اوج بحران گروگانگیری ملاقات‌های محرمانه‌ای با نویسنده کتاب انجام داد و هامیلتون جوردن ضمن شرح جریان این ملاقات‌ها از افشای نام وی در متن کتاب خودداری می‌کند، ولی پس از اعدام قطب‌زاده که دیگر مخفی نگه داشتن این راز سودی نداشت، آن را در یک مصاحبه تلویزیونی افشا کرد. هامیلتون جوردن آخرین مقام رسمی امریکایی است که با

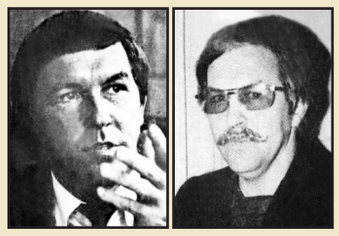

هامیلتون جوردن در دوچهره گریم شده در مأموریت‌ها

شاه در تماس بود و در روزهای واپسین عمرش با وی ملاقات کرد. قسمتی از کتاب به شرح احوال شاه در روزهای تبعید و در به دری اختصاص یافت که در جای خود خواندنی و عبرت‌آموز است.

بخش مهمی از یادداشت‌های روزانه جوردن به داستان گروگانگیری و ماجراهای پشت پرده آن مربوط می‌شود که خود نمایانگر درماندگی و بیچارگی امریکا در این ماجراست. ضمن مطالعه یادداشت‌های روزانه جوردن درمی‌یافت که گروگانگیری چه به روز کارتر و هیئت حاکمه امریکا آورد و چگونه به اعتراف نویسنده که خود سرپرست برنامه مبارزه انتخاباتی کارتر بود سرانجام سرنوشت مبارزات انتخاباتی امریکا را تعیین کرده است.

با اینکه خوانندگان ضمن مطالعه کتاب خود متوجه بعضی مطالب غرض‌آلود نویسنده می‌شوند، تذکر چند مورد ضروری به نظر می‌رسد:

۱ـ در اشاره به حکومت بازرگان و امیدهایی که امریکایی‌ها به ایشان بسته بودند، هامیلتون جوردن ادعا می‌کند امام خمینی در پاریس وعده داده بودند پس از استقرار جمهوری اسلامی به قم خواهند رفت و به رهبری روحانی ملت خود اکتفا خواهند کرد، در حالی که این مطلب واقعیت ندارد و امام همواره بر لزوم دخالت روحانیت در سیاست تأکید کرده‌اند.

۲ـ نویسنده در موارد متعدد سعی می‌کند به اعتقادات مذهبی کارتر تکیه و او را مردی باخدا و بشردوست معرفی کند، در حالی که اعمال کارتر در دوران چهار ساله زمامداری‌اش چهره کریه وی را به جهانیان نشان داد و ثابت کرد ادعاهای او درباره طرفداری از حقوق بشر فریبی بیش نبود.

۳ـ در ماجرای طبس، تجاوز امریکا در پوشش عملیات نجات برای رهایی عده‌ای بی‌گناه معرفی شد، در حالی که اگر این نقشه تا آخر عملی می‌شد نه فقط گروگان‌ها نجات نمی‌یافتند، بلکه جان صدها و هزاران انسان بی‌گناه دیگر هم به خطر می‌افتاد و کارتر برای حفظ موقعیت خود و نه نجات گروگان‌ها آن طور که جوردن ادعا می‌کند آماده ارتکاب چنین جنایتی شده بود.

۴ـ در اشاره به وسایل ارتباط جمعی و روزنامه‌های امریکا و اروپا جوردن سعی می‌کند آنها را مستقل و آزاد معرفی کند، در حالی که چنین نیست و مطبوعات و وسایل ارتباط جمعی در غرب به‌خصوص امریکا کاملاً وابسته و اکثراً در اختیار صهیونیست‌هاست.

صبحگاه ۲۲ بهمن ۵۷ در مشهد، رئیس شهربانی در دیدار با آیت‌الله شیرازی همبستگی خود را با انقلاب ابراز می‌دارد

نبض انقلاب در شهر مشهد از آغاز تا پایان بهمن ماه ۱۳۵۷

شهر شهادت در روزهای پیروزی

■ محمدرضا کائینی

شهر مشهد از جمله شاخص‌ترین کانون‌های خروش و اعتراض علیه رژیم شاه در دوران نهضت اسلامی به شمار می‌رود، از این روی بازکاوی تاریخچه مبارزات در این شهر، از اولویت‌های تاریخ انقلاب اسلامی است. مقالی که پیش روی دارید، به روایت رویدادهای دهه انقلاب در این شهر پرداخته است.

■■■

پس از اعلام بازگشت امام خمینی(قده) به وطن در روز جمعه ۶ بهمن، گروه‌های متعددی از اصناف، پیشه‌وران، دانشگاهیان، فرهنگیان، کارمندان، روحانیون و کشاورزان از تمام شهرستان‌های استان خراسان، برای شرکت در مراسم استقبال عازم تهران شدند و نبودن وسیله رفت و برگشت و نیز کمبود بنزین مشکلاتی را برای مشتاقان خراسانی دیدار امام به وجود آورد.

■ **مشهد در آستانه بازگشت امام خمینی به ایران**

مردم با توجه به اخباری که از طریق رسانه‌های داخلی و خارجی به دست می‌آوردند، دولت بختیار را مانع آمدن امام می‌دانستند. این بود که روزهای ششم و هفتم بهمن که همزمان با ارتحال پیامبر(ص) و شهادت امام حسن مجتبی(ع) بود، صدها هزار نفر از توده‌های مردم اعم از زن و مرد به راهپیمایی پرداختند. این راهپیمایی بیش از هفت ساعت به طول انجامید و در آن هزاران پلاکارد و عکس‌هایی از امام خمینی، دکتر علی شریعتی، دکتر محمد مصدق، غلامرضا تختی و نیز شهدا و پایه‌گذاران سازمان مجاهدین به چشم می‌خورد. مردم پای سخنان آیت‌الله واعظ طبسی و حجت‌الاسلام سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد نشستند[۱] و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد در سخنرانی خود در حرم خطاب به تظاهرکنندگان گفت: «تا برقراری حکومت اسلامی از پا نخواهیم نشست. مردم! اگر از آمدن امام جلوگیری شود، با تمام قدرت بجنگید و از تهدیدهای بختیار نهراسید.»[۲]

آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی با ارسال پیامی در روز هشتم بهمن به شاهپور بختیار، او را مسئول مستقیم موانع و مشکلاتی دانست که بر سر راه امام خمینی در ورود ایشان به ایران قرار داشت و خطاب به مردم خاطرنشان ساخت: «در روزهایی که دولت غیرقانونی زندانیان سیاسی را آزاد می‌کند، ساواک را منحل می‌سازد و با این سلسله اعمال فریبکارانه سعی دارد انقلاب ملت را به بن‌بست بکشاند. دولتی که خود را طرفدار حقوق بشر و مخالف خفقان و کشتار معرفی می‌کند در همین لحظات دست به کشتار مردم بی‌گناه و فرزندان انقلاب وطن می‌زند و چهره سفاک و واقعی خود را نشان می‌دهد. بختیار در لحظاتی که با سخنرانی‌های پی در پی خود ظاهراً به طرفداری از جامعه روحانیت و تشریف‌فرمایی نایب‌الامام خمینی به پا خاست، دست به محاصره نظامی و تعطیل فرودگاه‌های کشور می‌زد. در حالی که ورود هر ایرانی به کشور خود آزاد است، خصوصاً رهبری مذهبی و شخصی که از طرفداری تمام ملت ایران برخوردار و طبعاً دارای مصونیت است، با تعطیل و محاصره فرودگاه‌ها و تهدید کردن استقبال‌کنندگان و هجوم به مردم به ایجاد سدهایی در راه تشریف‌فرمایی معظم‌له اقدام می‌کند. البته این‌گونه رفتارها عکس‌العمل شدیدی از سوی مردم خواهد داشت که بختیار با آگاهی به آن سعی می‌کند خود را از واقعیت دور نگاه دارد. او گاه نه‌دهم از علما و آیات عظام را طرفدار دولت خود معرفی می‌کند، در حالی که کلیه علما و آیات هم‌جوار مخالفت خود را با هر دولتی در شرایط حاضر که با رژیم همکاری کند، اعلام فرموده‌اند و دولت بختیار نیز از این مخالفت شدید اینجانب و آیات عظام مستثنی نیست و کراراً طرف مخالفت و حمله جامعه روحانیت قرار گرفته است و ملت نیز با رفراندوم‌های مکرر غیر قانونی بودن آن را اعلام داشته‌اند.»

روز ۸ بهمن اعلامیه جمعی از علما و مدرسان حوزه علمیه مشهد به مناسبت پیوستن لشکر ۷۷ خراسان به جمع انقلابیون و حمایت از اعتصاب غذای آنها منتشر شد. در بخشی از این اعلامیه آمده است: «مردم شریف و مسلمان ایران پیشرفت حیرت‌انگیز جنبش اسلامی ایران خوشبختانه تا آنجا موفقیت‌آمیز است که هر روزه شاهد پیوستن قشرهای تازه‌ای به مبارزه ملت خود هستیم، به‌طوری که می‌توان گفت امروز دیگر تقریباً همه گروه‌ها به این نهضت عظیم پیوسته‌اند و مبارزات مردم ما هرچه بیشتر فراگیر شده است. در این روزهای حساس و سرنوشت‌ساز جای بسی خوشبختی است که می‌بینیم هزاران نفر از سربازان، افسران و درجه‌داران از نیروی زمینی گرفته تا دریایی و به‌خصوص از کادر نیروی هوایی در شیراز، بوشهر، دزفول، همدان، اصفهان، تهران، مشهد، بندر پهلوی و... پیوستگی خود را به جنبش اسلامی ایران تحت رهبری آیت‌الله نایب‌الامام خمینی آشکارا اعلام و با اعتصاب غذا یا با تظاهرات آرام خویش موضع خود را روشن کرده‌اند.» آیات شیخ ابوالحسن شیرازی، سید کاظم مرعشی، علی فلسفی، حسینعلی مروارید، جواد تهرانی، محمدباقر شیرازی (آیت‌الله‌زاده شیرازی)، محمدمهدی نوقانی، عبدالکریم هاشمی‌نژاد، عباس واعظ طبسی، علی تهرانی، عزالدین حسینی زنجانی، سید علی خامنه‌ای و محمدرضا محامی این اعلامیه را امضا کرده بودند.

■ **راهپیمایی تاریخی روز ۹ بهمن ۵۷**

روز نهم بهمن به مناسبت سالروز شهادت حضرت رضا(ع) مغازه‌ها در تمام شهر بسته بودند و جمعیت زیادی با دادن شعار و حمل پلاکاردهای گوناگون در خیابان نادری، مسجد کرامت، بیت آیت‌الله سیدعبدالله شیرازی و مدرسه نواب تجمع کرده و منتظر بودند تا پس از پیوستن عده دیگری از روستاها و شهرستان‌های اطراف به راهپیمایی گسترده دست بزنند و سه شتر برای نحر در محل آماده شده بود. پس از تجمع همه مردم راهپیمایی آغاز شد و آیات عظام شیرازی و قمی داخل ماشین پیشاپیش همه مردم حرکت می‌کردند[۳] و تعدادی از علما به‌منظور همدلی با متحصنان مسجد دانشگاه تهران که آیت‌الله سید علی خامنه‌ای نیز در شمار آنان بود و نیز مسجد اعظم قم با تحصن خود در صحن امام خمینی حرم مطهر رضوی حکومت دست‌نشانده بختیار را که مانع ورود امام خمینی به کشور شده بود محکوم کردند. آیات عبدالکریم هاشمی‌نژاد و عباس واعظ طبسی در شمار آنان بودند.[۴] در راهپیمایی میلیونی این روز مردم مشهد شعار می‌دادند: «خمینی بت‌شکن سوی وطن روانه، تزکیه، تشکل، جنگ مسلحانه»، «پیام هر مجاهد برای مستضعفین جنگ مسلحانه، نبرد با مشرکین»، «امریکا دشمن ماست، خمینی رهبر ماست»، «درود بر خمینی، سلام بر مجاهد»[۵]، «فلسطین، فلسطین برادر قهرمان، خلق ما حامی تمام آزادگان»، «تا قتل هر ستمگر نهضت ادامه دارد، حتی اگر شب و روز بر ما گلوله بارد»، «نه سازش سیاسی، نه قانون اساسی، ادامه انقلاب، جمهوری اسلامی»، «تفرقه تفرقه سلاح دشمن ماست، اتحاد اتحاد سلاح ملت ماست»، «کارگر، کشاورز، اسلام حامی توست.»[۶]

■ **تحصن علما در دارالزهد حرم رضوی برای بازگشت امام خمینی**

روز دهم بهمن آیت‌الله شیرازی پس از اقامه نماز مغرب و عشا در حالی که گروهی از علما ایشان را همراهی می‌کردند، از دارالزهد به سوی جمع تحصن‌کنندگان رفت و در جمع آنان به صرف شام دعوت شد.[۷] این تحصن تا روز یازدهم ادامه یافت و آیات سید حسن طباطبایی قمی، سید عبدالله شیرازی، شیخ ابوالحسن شیرازی و ابراهیم علم‌الهدی نیز به جمع آنان پیوستند. شیخ محمدباقر فرزانه در این تحصن به منبر رفت. وی یادآور شد این اولین و آخرین باری نیست که شاه خائن چنین عمل می‌کند، ما نفرت خود را از اینکه او فرودگاه را به روی رهبر ما بسته است ابراز می‌داریم و آن‌قدر در اینجا می‌مانیم تا رهبر ما به ایران بازگردد.[۸]

در این روز هیئت اعزامی از سوی آیت‌الله حاج‌آقا حسن قمی که برای استقبال از امام خمینی از طریق شاهرود عازم تهران بودند، در این شهر توسط علما و مردم استقبال شدند.[۹]

در این روز دانشگاهیان، اصناف و مردم مشهد پس از راهپیمایی در خیابان‌های جنت، خمینی، امام رضا، خسروی و خسروی نو به حرم رفتند و به جمع تحصن‌کنندگان پیوستند. حجت‌الاسلام کامیاب و هاشمی‌نژاد نیز اعلامیه‌ای از سوی جامعه پزشکی مشهد خطاب به بختیار، نخست‌وزیر منتشر کردند. در این اعلامیه آمده بود: «هر روز مردم ایران بیشتر با چهره واقعی شما آشنا می‌شوند. از روزی که به سمت نخست‌وزیر غیر قانونی شروع به کار کرده‌اید، کشت و کشتارها بیشتر و شدیدتر شده، این است معنی سوسیال و دموکراسی. در آبادان، همدان، رشت، گرگان، تهران و... برادران ما را در خیابان‌ها و پادگان‌ها تیرباران کرده و دست از جنایات آریامهری برنداشته‌اید. شما که از مراجعت رهبر عالی‌قدر ایران هراسان شده‌اید، هر روز دروغ تازه‌ای ابداع می‌کنید. دروغ اولتان این است که زیر عکس مرحوم دکتر مصدق می‌نشینید و خبرنگاران خارجی و داخلی را می‌طلبید و از نام نیک آن مرحوم سوءاستفاده می‌کنید و می‌گویید، راه من، راه مصدق است. در صورتی که در عمل برعکس مرام جبهه ملی رفتار می‌کنید و شرافت مرحوم مصدق را ملعبه جاه‌طلبی خود می‌سازید و نام او را دستاویز اغراض پلید خود قرار می‌دهید. یک روز به دروغ می‌گویید کارمندان رادیو و تلویزیون همه ساواکی هستند و روز بعد ناچار می‌شوید، آن را تکذیب کنید. روز دیگر می‌گویید نه‌دهم روحانیون با سکوت خود از من طرفداری کرده‌اند، در صورتی که این‌طور نیست و جواب ابلهان خاموشی است. بعداً هم تمام علما با صدور اعلامیه‌های متعدد این فرمایش شما را تکذیب کرده‌اند. دروغ‌های دیگرتان فراوان است. به عنوان مثال وعده دادید کشتار نخواهد شد، در صورتی که شما روی دولت نظامی را سفید کرده‌اید. می‌گویید با زعیم عالی‌قدر آیت‌الله خمینی تماس دارم در صورتی که طبق اعلامیه ۲۸ صفر ۱۳۹۹ ایشان هیچ‌گونه تماسی با شما ندارند. شکستن اعتصاب پست و تلگراف را به حساب خودتان می‌گذارید. در صورتی که این کار به دستور امام انجام گرفته است. موانع در راه ورود امام می‌تراشید و به دروغ می‌گویید در آن واحد تمام فرودگاه‌های کشور نقص فنی دارند. در صورتی که هواپیماهای ارتشی از آنها استفاده می‌کنند. می‌گویید ارتش بدون گفته من آب نمی‌خورد و بعد دستور کشتار می‌دهید و اظهار می‌کنید ممکن است ارتش بدون اطلاع من هم تیراندازی کند. در کتاب جمعه سیاه از قول شما آمده است با این رژیم اصلاً سازش امکان ندارد و بعد خودتان با همان رژیم سازش می‌کنید و... آقای بختیار بدانید دوران حکومت شما نیز مانند اسلاف‌تان سپری شده است، هر چه زودتر دست از جنایات خود بردارید و استعفای خود را به ملت ایران تقدیم کنید، وگرنه در دادگاه انقلاب خلق ایران محاکمه می‌شوید و نام ننگین از خود در تاریخ به یادگار خواهید گذاشت.»

■ **جشن بازگشت امام خمینی به وطن**

صبح روز ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ طبقات مختلف مردم در انتظار پخش مراسم بازگشت امام خمینی به ایران و استقبال از ایشان در رادیو و تلویزیون بودند و همه خیابان‌های شهر خلوت و مغازه‌ها بسته بود. مردم در خانه‌های خود و برخی از مراکز عمومی کنار رادیوها و تلویزیون‌ها اجتماع کرده بودند. وقتی پخش مراسم از ساعت ۱۰ از رادیو و تلویزیون قطع شد، مردم صدها تلویزیون را در اعتراض به پخش نشدن مستقیم مراسم ورود امام به ایران شکستند[۱۰] و به خیابان‌ها هجوم آوردند و با روشن کردن چراغ‌های اتومبیل و زدن بوق ممتد و توزیع شیرینی، گل و خرما خوشحالی خود را از آمدن امام نشان می‌دادند[۱۱] و اگر در خیابان با افراد نظامی یا پلیس روبه‌رو می‌شدند، رفتار دوستانه خود را با تعارف و اهدای گل و شیرینی نشان می‌دادند.

■ **تلگرام تبریک مراجع مشهد به امام خمینی به مناسبت بازگشت به ایران**

در این روز تحصن علمای مشهد در صحن امام خمینی پایان یافت و از سوی آیات شیرازی، قمی، حاج سید علی‌نقی طبسی حائری و دانشجویان مسلمان دانشگاه مشهد تلگراف تبریک به مناسبت ورود امام به ایران به تهران مخابره شد.[۱۲] در پیام تبریک آیت‌الله حاج‌آقا حسن قمی به امام خمینی آمده بود: «با اهدای سلام و تهنیت مقدم شریف پرمیمنت را به ایران تبریک و تهنیت عرض می‌کنم. بسی مایه مسرت و خوشوقتی است که پس از سالیان دراز و تحمل مشقات به مقتضای آیه کریمه «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا» با همت عالیه والای خود به موفقیت‌های بزرگی نایل شدید و با مراجعت به وطن قاطبه ملت ایران را غرق سرور، بهجت و مباهات فرمودید و کما اینکه به فضل الهی بر اثر زحمات طاقت‌فرسا و خستگی‌ناپذیر حضرتعالی ملت به بسیاری از خواسته‌های خود نایل شده است.»[۱۳]

متن تلگراف آیت‌الله شیرازی نیز چنین بود: «ضمن ابلاغ سلام و تهنیت با قلبی مملو از مسرت و خشنودی مقدم مبارک را به ایران تبریک می‌گویم و به مقتضای آیه شریفه «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ»، مراجعت حضرتعالی را به ایران نشانه بزرگ پیروزی ملت مسلمان و مبارز ایران به رهبری جامعه روحانیت و شخص حضرتعالی می‌دانم و قبل از هر چیز خداوند متعال را شکر می‌کنم که خواسته همگی طبقات ملت را جامه عمل پوشاند. از خداوند متعال جلت عظمته مسئلت می‌کنم در ظل توجهات خاصه حضرت ولی‌عصر و عموم جامعه شریف روحانیت موفقیت و تأیید کامل عنایت فرماید که همگی بتوانیم تا رسیدن به کلیه اهداف مشروعه اسلامی به مبارزه اصیل و دینی خود ادامه بدهیم تا ریشه مظالم، مفاسد و دیکتاتورها از بین برود.»[۱۴]

آیات عظام شیرازی و قمی علاوه بر ارسال تلگراف نمایندگانی را نیز به‌منظور ملاقات و مذاکره با امام خمینی به تهران فرستاده بودند[۱۵] و آیت‌الله مرعشی خودشان در مراسم استقبال حضور داشتند. در روز چهاردهم بهمن تظاهرات گسترده‌ای علیه دولت بختیار در مشهد صورت گرفت[۱۶] و بیانیه‌ای از سوی آیت‌الله حاج شیخ غلامحسین تبریزی درباره فلسفه حکومت و مشروعیت حکومت ولایت فقیه و قانونی نبودن حکومت سلطنتی در مشهد منتشر شد[۱۷] و حجت‌الاسلام هاشمی‌نژاد در باشگاه دانشگاه مشهد به تجلیل از شخصیت امام سخنرانی کرد.[۱۸]

■ **استقرار نظام اسلامی و حمایت از دولت موقت**

روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ساعت هشت صبح راهپیمایی بسیار گسترده‌ای به پشتیبانی از نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان که از سوی امام خمینی اعلام شده بود، در مسجد کرامت برگزار شد و حجت‌الاسلام فرزانه، شیخ علی تهرانی و آیت‌الله واعظ طبسی در پایان آن به تمجید از جمهوری اسلامی و دولت مهندس بازرگان به سخنرانی پرداختند.[۱۹] مردم در این راهپیمایی ضمن حمل عکس‌هایی از امام و بازرگان از دولت مهدی بازرگان و نخست‌وزیری او حمایت کردند.[۲۰] آنها شعار می‌دادند: «ای مهدی بازرگان، نخست‌وزیر ایران»، «بازرگان، بازرگان، وزیر دولت شده، بختیار، بختیار رانده ملت شده»،[۲۱] «درود بر خمینی رهبر آزادگان، سلام بر بازرگان نخست‌وزیر ایران»، «مهندس بازرگان، مجری حکم قرآن»، «به گفته خمینی ارتش برادر ماست»، «نخست‌وزیر ایران منتخب امام است، بر او ز مردم ما از جان و دل سلام است»،[۲۲] «فرموده خمینی برای ما چون جان است، نخست‌وزیر محبوب مهندس بازرگان است»، «بازرگان، بازرگان، حکومت‌ات مبارک»[۲۳] و «نه سازش، نه قانون اساسی، ادامه انقلاب، جمهوری اسلامی»[۲۴]

آیات سید کاظم مرعشی، جواد تهرانی، محمدمهدی نوقانی و نیز اعضای کانون نشر حقایق اسلامی و انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاه مشهد[۲۵] و همه گروه‌ها و اقشار پیام تبریکی برای تعیین دولت موقت به ریاست مهندس مهدی بازرگان به امام ارسال کردند.

روز ۱۹ بهمن مردم با حمل پوستر بسیار بزرگی از امام و پلاکاردهایی از امام، مصدق، دکتر علی شریعتی و به پشتیبانی از بازرگان و با دادن شعار علیه بختیار به راهپیمایی پرداختند.[۲۶] در ۲۱ بهمن کابینه بختیار سقوط و فردای آن روز تیمسار دانش، فرمانده ناحیه ژاندارمری خراسان همبستگی خود را با مردم اعلان کرد و همافران در منزل آیت‌الله حاج‌آقا حسن قمی حضور یافتند و اتحاد خود را با جامعه روحانیت اعلام کردند.[۲۷] سرلشکر ایمانی، رئیس شهربانی‌های خراسان در منزل آیت‌الله شیرازی حضور یافت و با مردم و نهضت اسلامی اعلام همبستگی کرد.[۲۸]

و این‌چنین مبارزات ۱۵ ساله به بار نشست و نظام اسلامی در جای‌جای ایران پهناور استقرار یافت.

■ **پی‌نوشت‌ها در سرویس تاریخ موجودند.**

یکی از بیمارستان‌های مشهد

آیت‌الله حاج آقا حسن طباطبایی قمی در عیادت از مجروحان انقلاب در

روز چهارشنبه ۱۸ بهمن ساعت هشت صبح راهپیمایی بسیار گسترده‌ای به پشتیبانی از نخست‌وزیری مهندس مهدی بازرگان که از سوی امام خمینی اعلام شده بود، در مسجد کرامت برگزار شد و حجت‌الاسلام فرزانه، شیخ علی تهرانی و آیت‌الله واعظ طبسی در پایان آن به تمجید از جمهوری اسلامی و دولت مهندس بازرگان به سخنرانی پرداختند

آیات سیدعزالدین زنجانی، علی فلسفی، سیدمحمدعلی میلانی و سیدمحمدعلی شیرازی در صف نخست یکی از راهپیمایی‌های انقلاب در مشهد